

روش ارائه راهکارهای دفع و رفع رذایل اخلاقی در کتاب شرح چهل حدیث و مراحل اخلاق در قرآن

منالیراوی* | وحید واحد جوان**

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روش امام خمینی علیه السلام و آیت الله جوادی آملی در ارائه راهکارهای دفع و رفع رذائل اخلاقی در دو اثر «شرح چهل حدیث» و «مراحل اخلاق در قرآن کریم» می‌پردازد. تهذیب نفس و تربیت اخلاقی، به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اخلاق اسلامی، محور اصلی این دو رویکرد است. امام خمینی علیه السلام با تأکید بر جهاد نفس، تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه، و همچنین بهره‌گیری از موعظه و ارتباط عاطفی، راهکاری عملی و تدریجی برای اصلاح اخلاق ارائه می‌کند. ایشان به نقش استاد سلوکی، دعا و ذکر، و همچنین استفاده از مثال‌های ساده و ملموس توجه ویژه‌ای دارد. آیت الله جوادی آملی نیز با تأکید بر مراحل مانع‌زدایی نظیر توبه، زهد، ریاضت، مراقبت و محاسبه، و با استفاده از زبان ادبی و علمی، به ارائه شیوه‌ای فلسفی‌تر و نظام‌مند برای تهذیب اخلاق می‌پردازد. ایشان رذائل را اموری عارضی و فضایل را فطری می‌داند و معتقد است که با زدودن رذایل، فضایل فطری شکوفا می‌شوند. هر دو رویکرد در هدف، یعنی پالایش عقل و تزکیه نفس برای رسیدن به توحید، مشترک‌اند؛ اما در روش، تفاوت‌هایی دارند. روش امام خمینی بیشتر بر موعظه، ارتباط عاطفی و تربیت عملی متمرکز است، در حالی که روش آیت الله جوادی آملی بر تحلیل فلسفی، خودآگاهی و بیداری فردی تأکید دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تنوع و غنای رویکردهای تربیتی در اخلاق اسلامی است.

کلیدواژه‌ها

روش‌های تهذیب نفس، دفع و رفع رذائل، امام خمینی، آیت الله جوادی آملی.

* کارشناسی ارشد مدرسی اخلاق اسلامی دانشگاه تهران (monaliravi731@gmail.com)

** دانشیار گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران. (vahedjavan@ut.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸)

□ منالیراوی، وحید واحد جوان (۱۴۰۴). روش ارائه راهکارهای دفع و رفع رذایل اخلاقی در کتاب شرح چهل حدیث و مراحل اخلاق در قرآن،

فصلنامه اخلاق و حیاتی، ۱ (۳۴)، ۱۵۳-۱۷۶. | doi: 10.22034/ethics.2025.510759.2058

۱. طرح مسئله

موضوع دفع و رفع رذائل اخلاقی یا همان تهذیب نفس و تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه اخلاق اسلامی است که همواره مورد توجه انبیای الهی و اولیای دین قرار داشته است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام در طول حیات مبارک خود، تلاش‌های گسترده‌ای در جهت ترویج اخلاق نیکو و پاکسازی روح انسان‌ها از رذایل اخلاقی داشته‌اند. این موضوع به‌ویژه در آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن کریم نیز به اهمیت تهذیب نفس اشاره شده است؛ چنان‌که در آیه دوم سوره جمعه، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت از اهداف بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی شده است.

عالمان و اندیشمندان اسلامی نیز در طول تاریخ، تلاش‌های فراوانی برای تبیین و توضیح این موضوع ارزشمند انجام داده‌اند. از مهمترین شخصیت‌ها در این زمینه، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و شاگرد ایشان آیت‌الله جوادی آملی (دامت برکاته) است. ایشان نه تنها در عرصه‌های سیاست و فقه، بلکه در حوزه اخلاق و عرفان نیز از پیشگامان برجسته به‌شمار می‌آیند. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه با نگارش کتاب «شرح چهل حدیث»، اثری ماندگار و گران‌بها را در این حوزه به یادگار گذاشته‌اند که تاکنون الهام‌بخش بسیاری از جویندگان حقیقت بوده است. کتاب «شرح چهل حدیث» امام خمینی رحمته‌الله‌علیه یکی از آثار ارزشمند در زمینه تهذیب نفس و تربیت اخلاقی است. این کتاب با زبانی شیوا و روشی منحصر به فرد، به شرح و توضیح احادیثی پرداخته که هر یک جنبه‌ای از مسائل اخلاقی و معنوی را بررسی می‌کنند. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این اثر، با بهره‌گیری از منابع اسلامی و مبانی عرفانی و اخلاقی راهکارهایی عملی برای تزکیه نفس و مبارزه با رذایل اخلاقی ارائه داده‌اند. این کتاب نه تنها به‌عنوان یک اثر علمی و آموزشی، بلکه به‌عنوان منبعی الهام‌بخش برای کسانی که به دنبال اصلاح نفس و تقرب به خداوند هستند، شناخته می‌شود و به دلیل تأثیرگذاری عمیق آن بر مخاطبان، به‌عنوان یکی از آثار ماندگار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در تاریخ اسلام باقی مانده است.

آیت‌الله جوادی آملی نیز با کتاب مراحل اخلاق در قرآن، اثری قوی و قویم در اخلاق و سیر و سلوک ارائه کرده است. این کتاب نیز از جهاتی کم نظیر است.

اهمیت والای این دو اثر و تأثیرگذاری کم‌نظیر آنها، ما را بر آن داشت تا درباره روش‌ها و راهکارهایی که در زمینه تهذیب نفس ارائه داده‌اند، پژوهشی انجام داده، تلاش کنیم با روش توصیفی-تحلیلی، شیوه و روش‌های ارائه راهکارهای تهذیب نفس توسط امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) را تبیین و مقایسه نماییم.

۲. مفهوم‌شناسی واژگان

۱.۲. روش

واژه «روش» به معنای شیوه و طرز انجام دادن کاری است (دهخدا، ۱۳۸۸، ماده روش) از این رو، روش‌های امام خمینی و آیت‌الله جوادی آملی در زمینه راهکارهای دفع و رفع رذائل در کتاب چهل حدیث و مراحل اخلاق در قرآن، یعنی شیوه‌هایی که ایشان برای بیان راهکارها اتخاذ کرده‌اند.

۲.۲. اخلاق

«اخلاق» در لغت جمع «خُلُق» و «خُلُق» است. (معین، ۱۳۷۸، ذیل ماده خلق). معنای اصلی این ماده (خلق) ایجاد کردن شیء به کیفیت مخصوص است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج. ۳، ص. ۱۱۵) در یک تعبیر «خُلُق» به ویژگی‌ها و صفات درونی و «خُلُق» به ساختار و نمای ظاهری فرد تعلق دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۲۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۴، ص. ۱۹۴)

اخلاق در اصطلاح، ملکات نفسانی است که به اقتضای آن، افعال متناسب به راحتی و بدون نیاز به تفکر، از انسان صادر می‌شود. ملکه در برابر حال است. ملکه به‌کندی از بین می‌رود ولی حال به‌سرعت زوال می‌پذیرد. (ابن مسکویه، ۱۳۷۳، ص. ۲۷)

بر اساس دیدگاه امام خمینی، «خلق» حالتی در نفس انسان است که او را بدون نیاز به اندیشه و تأمل به انجام عمل سوق می‌دهد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۵۱۰)

همچنین آیت‌الله جوادی آملی در تعریف «خلق» به ملکات نفسانی پایدار اشاره می‌کند که موجب رفتارهای خودجوش اخلاقی (مانند نیکی و گذشت) می‌شود و آن را از رفتارهای طبیعی غیرارادی متمایز می‌داند؛ چراکه فضایل اخلاقی، تجلی اختیار و تعالی انسان محسوب شده و همواره مورد ستایش هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵)

۳.۲. ردائل

ردائل جمع ردیلت از ریشه (ر ذ ی) است و ردی به معنی کسی است که توانایی جابه جایی و بالا رفتن را ندارد. (فراهدی، ۱۴۰۸، ج. ۸، ص. ۱۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۴، ص. ۳۲۰) به همین دلیل، ردیلت به مواردی اطلاق می‌شود که مانع رشد و شکوفایی فرد می‌شوند. این موارد مانند وزنه‌ای سنگین بر پای انسان عمل کرده و حرکت او را در مسیر رشد کند یا متوقف می‌کنند.

ردیلت به صفت‌ها، رفتارها و عادت‌های ناپسند و نادرست اطلاق می‌شود. انسان به‌طور ذاتی در جستجوی کمال است و هرگز به‌حدود موجود قانع نمی‌شود؛ او باید به کمال حقیقی و نهایی دست یابد. بنابر این، هر صفت یا عملی که مانع پیشرفت او به سوی این کمالات، به‌ویژه کمال نهایی انسان شود، ردیلت محسوب می‌شود و میزان ناپسندی آن بسته به نقشی که در انحراف از مسیر کمال دارد، متغیر است.

۴.۲. دفع و رفع

این قسمت خیلی دقیق‌تر و البته کمتر شده است
در لغت، «دفع» به معنای پیشگیری از تحقق شیء (مانع شدن از اصل وجود) و «رفع» به معنای برطرف کردن شیء پس از وجود است. (دهخدا، ۱۳۸۸، ماده دفع؛ مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۴۸۲)
امام خمینی تأکید می‌کند که دفع هنگام وجود مقتضی اما عدم تأثیر آن (مانع ورود ردائل به نفس) و رفع در مواجهه با ردائل محقق‌شده کاربرد دارد. (خمینی، بی‌تا، الف، ج. ۲، ص. ۴۰؛ تقوی اشتهاردی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۱۸)

این تمایز در اخلاق نیز بازتاب یافته است: دفع به معنای ممانعت از نفوذ پلیدی‌ها و رفع به معنای پاکسازی نفس از ردائل موجود است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱)

۳. کتاب شرح چهل حدیث و مراحل اخلاق در قرآن

«شرح چهل حدیث» از آثار ارزشمند اخلاقی و عرفانی امام خمینی (رضوان الله علیه) و «مراحل اخلاق در قرآن» از آثار ارزشمند اخلاقی و عرفانی آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) می‌باشد.

در کتاب امام خمینی رحمه الله، چهل حدیث از روایات پیشوایان دین از کتاب شریف اصول کافی (۳۴) حدیث اول - غیر از حدیث ۱۱ - در مسائل اخلاقی و ۶ حدیث آخر در مسائل اعتقادی، حکمی و عرفانی به وجهی مبسوط و بایانی شیوا و اثرگذار شرح شده‌اند. ترتیب موضوعات بدین شکل است: ۱. جهاد نفس، ۲. ریا، ۳. عجب، ۴. کبر، ۵. حسد، ۶. حب دنیا، ۷. غضب، ۸. عصبیت، ۹. نفاق، ۱۰. هوای نفس و آرزوی دراز، ۱۱. فطرت، ۱۲. تفکر، شب زنده داری و تقوا، ۱۳. توکل، ۱۴. خوف و رجا، ۱۵. بلا و امتحان مومنان، ۱۶. صبر، ۱۷. توبه، ۱۸. ذکر خدا، ۱۹. غیبت، ۲۰. نیت خالص و اخلاص، ۲۱. شکر، ۲۲. کراهت از مرگ، ۲۳. انواع علم آموزان، ۲۴. انواع علم، ۲۵. شک و وسواس، ۲۶. فضیلت علم، ۲۷. عبادت و حضور قلب، ۲۸. لقاء الله، ۲۹. وصایای رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام، ۳۰. اقسام قلوب، ۳۱. عدم معرفت حقیقی حق تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، ۳۲. یقین (و حرص و رضا)، ۳۳. ولایت و اعمال، ۳۴. مقام مؤمن نزد حق تعالی، ۳۵. معرفت اسماء حق و مسئله جبر و تقویض، ۳۶. صفات حق، ۳۷. معرفت خدا و رسول و اولی الامر، ۳۸. آفرینش آدم بر صورت خداوند، ۳۹. خیر و شر، و ۴۰. تفسیر سوره «توحید» و آیات آغازین سوره «حدید».

آیت الله جوادی آملی در کتاب مراحل اخلاق در قرآن مباحث را در سه محور اصلی ارائه کرده است. محور اول شامل موانع نظری و عملی است که شامل غفلت، وسوسه علمی، پندارگرایی، عقل متعارف، هوس‌مداری، خودبینی، کمینگاه‌های شیطان و بازیگری و دنیاگرایی می‌شود. محور دوم به مراحل مانع‌زدایی اختصاص دارد که شامل توبه، زهد، ریاضت، مراقبت و محاسبه و تقوا است. در نهایت، محور

سوم به مقامات و مراحل اشاره دارد که شامل ایمان، ثبات، نیت و دیگر مقامات اخلاقی می‌باشد.

۴. راهکارهای امام خمینی برای دفع و رفع رذائل اخلاقی

به علت کمتر شدن کلمات مقاله، همه این قسمت دقیقتر تنظیم شد.

در اینجا ابتدا راهکارهای دفع و رفع رذائل ارائه می‌شود تا به روش‌هایی برسیم که در دو کتاب مذکور برای نوشتن آنها ارائه شده است.

امام خمینی برای تهذیب نفس (دفع و رفع رذائل اخلاقی و آراسته شدن به فضائل انسانی) راهکارهایی ارائه می‌کند:

۱.۴. جهاد با نفس

در دیدگاه امام خمینی تربیت اخلاقی نیازمند مجاهده و جهاد با نفس است که موانع رشد انسان را برطرف می‌کند. فرد باید نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و به تقویت قوت‌های اخلاقی بپردازد تا به رشد و تزکیه دست یابد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۵)

شایان ذکر است که: جهاد با نفس، محور اصلی است و موارد بعدی (۴/۱/۶ تا ۴/۱/۱) ارکان آن هستند و (۴/۲ و ۴/۳) راهکارهای عملی در راستای همان جهاد هستند.

۱.۱.۴. تفکر

امام خمینی رحمه‌الله علیه، تفکر را به عنوان اولین مرحله و اولین شرط جهاد با نفس برشمرده‌اند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۶) از منظر امام، انسان باید نعمت‌های الهی مانند سلامتی، عقل و هدایت پیامبران را با تأمل ببیند و شکرگزار باشد. زندگی نباید صرف لذت‌های زودگذر شود، بلکه باید در مسیر هدف والای آفرینش حرکت کرد. انسان خردمند از فرصت محدود دنیا برای رسیدن به سعادت جاودان استفاده می‌کند، از غفلت دوری می‌جوید و با تصمیم‌های درست، آخرتی نورانی را می‌سازد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۶)

۲.۱.۴. عزم

امام خمینی «عزم» را منزلگاه بعدی مجاهد پس از تفکر می‌دانند و آن را جوهره انسانیت و معیار تمایز

انسان برمی شمروند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۷) عزم حقیقی از نگاه ایشان ترکیبی است از: تصمیم به ترک گناهان، انجام واجبات و جبران کاستی‌های گذشته. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۷)

۳.۱.۴. مشارطه، مراقبه و محاسبه

امام خمینی سه گام اساسی برای جهاد با نفس بیان می‌کنند: مشارطه: پیمان بستن با خود در آغاز روز برای اطاعت از فرامین الهی. مراقبه: پایبندی به این عهد و دوری از وسوسه‌های شیطانی در طول روز، و محاسبه: ارزیابی عملکرد شبانه که شامل: شکرگزاری در صورت وفاداری به عهد، استغفار و تصمیم به اصلاح در صورت تقصیر است. این چرخه روزانه به تدریج انجام واجبات را برای نفس آسان می‌سازد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۹)

۴.۱.۴. تذکر

امام خمینی «تذکر» را عامل اساسی در جهاد با نفس می‌دانند که شامل: یادآوری دائمی عظمت الهی و نعمت‌های او، توجه به حضوری معنوی (مراقبت از اعمال) و ترک معصیت به‌عنوان سلاحی در نبرد با شیطان است. هدف نهایی این سیر، تبدیل قلب به «پادشاهی رحمانی» و جایگزینی لشکر شیطان با سپاه حق است. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۰-۱۲)

۵.۱.۴. ضبط خیال

امام خمینی بر اهمیت کنترل افکار و جلوگیری از پراکندگی ذهن تأکید می‌کند. فرد باید از شکل‌گیری افکار ناپسند و شیطانی پرهیز کند و ذهن خود را بر امور ارزشمند متمرکز سازد. هرچند در ابتدا ممکن است دشوار باشد، با مراقبت و تمرین، این کار ساده‌تر خواهد شد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۷)

۶.۱.۴. موازنه

از منظر امام، یکی از عواملی که در مسیر تربیت اخلاقی به انسان کمک می‌کند و باید به آن توجه داشته باشد، موازنه است. به این معنا که فرد عاقل باید سود و زیان هر یک از اخلاق فاسد و ملکات پست، که زاییده شهوت، غضب، و توهم بوده و تحت تأثیر شیطان هستند را با سود و زیان هر یک از

اخلاق نیکو و فضایل اخلاقی و ملکات برتر که تحت کنترل عقل و شرع قرار دارند، مقایسه کند. او باید بسنجد که کدام گزینه بهتر است برای عمل انتخاب شود. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸)

۲.۴. تکرار عمل ضد رذیله

امام خمینی بر این باور است که فضایل اخلاقی از طریق تکرار مستمر اعمال نیک و پشتکار در برابر دشواری‌های اولیه به ملکه‌های پایدار تبدیل می‌شوند، و در این مسیر، شناسایی رذایل اخلاقی، عمل ارادی برخلاف تمایلات نفسانی و طلب یاری از خداوند ضروری است تا نیروهای رحمانی جایگزین صفات ناپسند شوند، چنان‌که ایشان تأکید می‌کنند برخی امور آن‌قدر اهمیت دارند که باید پیوسته تکرار شوند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵؛ خمینی، بی‌تا، ج. ۱۳ / ص ۳۹۹)

۳.۴. دعا و مناجات

امام خمینی علیه السلام توصیه می‌کند که باید فکری بکنی و راهی برای نجات و خلاصی خود بیابی. به خداوند پناه ببر و در شب‌های تاریک با خلوص و استغاثه از او یاری بخواه که در این مبارزه با نفس تو را یاری کند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴) و می‌فرماید: تذکر دهم که در هر حال به خود امیدی نداشته باش که از غیر خدای تعالی از کسی کاری بر نمی‌آید. و از خود حق تعالی با تضرع و زاری توفیق بخواه که تو را در این مجاهده اعانت فرماید تا بلکه آن شاء الله غالب آیی. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲)

جمع بندی

امام خمینی علیه السلام برای دفع و رفع رذائل اخلاقی، راهکارهایی همچون جهاد با نفس، تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه، تذکر، ضبط خیال، موازنه، تکرار عمل ضد رذیله و دعا و مناجات را مطرح می‌کند. این راهکارها با تأکید بر خودآگاهی، تصمیم‌گیری ارادی، تمرین مستمر و توسل به لطف الهی، انسان را به سوی تزکیه نفس، ترک گناه و آراستگی به فضائل اخلاقی هدایت می‌کنند. از نگاه ایشان، این سیر اخلاقی نیازمند مجاهده‌ای دائمی، همراه با استعانت از خداوند است تا فرد بتواند به سعادت و رحمت الهی نائل گردد.

۵. راهکارهای آیت‌الله جوادی آملی برای دفع و رفع رذائل اخلاقی

از نظر آیت‌الله جوادی آملی ابتدا باید موانع سلوک اخلاقی (مانند غفلت، وسوسه علمی، پندارگرایی، عقل متعارف، هوس مداری) را کنار زد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۹) تا بتوان به عوامل سلوکی دست زد.

۱.۵. توبه

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، سیر و سلوک الی الله درجات و مراتب گوناگونی دارد که باید یکی پس از دیگری پیموده شود؛ اما پیش از پیمودن آن مراحل باید با توبه مانع را برداشت. اولین مرحله از مانع زدایی برای سالکان راه، گناه زدایی است؛ چون گناه نه تنها مایه ورود به جهنم است، بلکه مانع انجام کار خیر در دنیا نیز خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۳)

۲.۵. زهد

علامه جوادی آملی تأکید می‌کند که دستیابی به «ما عندالله» مستلزم زهد است که نه صرفاً ترک متاع فریب، بلکه بی‌رغبتی پایدار به آن است. این سیر با ترک عملی آغاز می‌شود (مانند معتادی که مواد را رها می‌کند) و با کسب معرفت نسبت به فریبکار بودن متاع دنیا، به تدریج به بی‌رغبتی درونی می‌رسد. بنابراین زهد ترکیبی است از ترک آگاهانه (به‌عنوان گام اول) و بی‌رغبتی ناشی از شناخت حقیقی زیان‌های دنیاپرستی. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۱)

۳.۵. ریاضت

از منظر استاد جوادی، مرحله بعد مقام «ریاضت» یعنی تمرین است. ریاضت برای سالکان الهی این است که نفس سرکش خود را رام کنند تا به طرف «بهیمیّت»، «سبعیّت» و یا «شیطنّت» حرکت نکند و فقط راه چهارم را که راه «فرشته منشی» است طی کند و مطیع عقل عملی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۷)

۴.۵. مراقبت و محاسبه

در دیدگاه علامه جوادی، بعد از مرحله ریاضت، انسان به مقام «مراقبت» و «محاسبه» می‌رسد، جایی که با کنترل نفس اماره و تبدیل آن به تابع عقل عملی، می‌تواند بر اعمال خود نظارت کند. مراقبت به

معنای رقیب بودن برای خود و ثبت اعمال است، در حالی که محاسبه به بررسی حسنات و سیئات پرداخته و فرد باید پیش از روز حساب، خود را ارزیابی کند. اگر سیئات بیشتر بود، باید توبه کند و اگر مساوی بود، تلاش کند حسنات را افزایش دهد. در نهایت، اهل محاسبه خود را بدهکار می‌بیند و این احساس به خضوع و خشوع او در زندگی، به‌ویژه در نماز، منجر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۹۵)

۵.۵. تقوا

علامه جوادی آملی تقوا را با سه رکن اصلی تعریف می‌کند: ترس خالص از خدا (نه ترس از عواقب دنیوی)، اجتناب عملی از گناه به عنوان حریم امن، و قصد قرب الهی در مسیر سلوک. وی بالاترین درجه تقوا را پرهیز از گناه با اخلاص کامل (صرفاً به عنوان وظیفه بندگی) می‌داند و توبه واقعی و نیت خالص را نشانه‌های تقوای حقیقی برمی‌شمارد که به محبوبیت الهی می‌انجامد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۰۵)

۶. روشهای امام خمینی در طرح مسائل

به علت کمتر شدن کلمات مقاله، این قسمت دقیقتر تنظیم شد

بعد از بیان راهکارهای تهذیب نفس نوبت به روشهایی می‌رسد که امام خمینی و آیت‌الله جوادی برای بیان آنها به کار برده‌اند.

امام خمینی هدف اصلی قرآن و حدیث را پالایش عقل‌ها و تزکیه نفوس برای رسیدن به توحید می‌داند و معتقد است که مفسران به جنبه‌های ادبی و فلسفی توجه می‌کنند و اصل اساسی را نادیده می‌گیرند. او بیان می‌کند که نقل حکایات انسان را از هدف اصلی دور می‌کند و حتی کتاب «احیاء علوم دین» نیز در اصلاح اخلاق چندان مؤثر نبوده است. (خمینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱-۱۲) امام تأکید دارد که کتاب‌های اخلاق باید توانایی درمان دردها و اصلاح مشکلات را داشته باشند و فقط به ارائه راهکار اکتفا نکنند. (خمینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳) رویکرد امام در نگارش کتاب «شرح چهل حدیث» بر اساس تربیت نفس است تا کتاب به‌عنوان دارویی عمل کند و سالک را به مسیر درست هدایت کند.

۱.۶. تبیین چند مرحله‌ای

امام خمینی در تنظیم محتوای اثر، ابتدا حدیث و ترجمه آن را ذکر کرده و نکات دستوری و واژگان خاص را توضیح می‌دهد. سپس به تحلیل و تشریح مفاهیم پرداخته و از آیات و احادیث مرتبط استفاده می‌کند. این توضیحات شامل سه بخش اصلی است: تبیین مفاهیم کلیدی مانند صفات پسندیده و ناپسند و ابعاد عرفانی آن‌ها، انذار و تشویق برای انگیزه‌مند کردن سالک در غلبه بر نفس، و ارائه راهکارهای عملی برای ایجاد عادات خوب و پرهیز از خطا. در حدیث اول، دو مقام در دو مرحله مورد بحث قرار می‌گیرد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۵ و ۱۲)

۲.۶. موعظه و ارتباط مستقیم با مخاطب و حضور در نوشتار همانند گفتار

امام خمینی کتاب اخلاق را به عنوان دارویی شفابخش می‌داند و در تفسیرهایش این مفهوم را بیان می‌کند. او به عنوان مرشدی آگاه، خواننده را در مسیر تربیت نفس هدایت کرده و موعظه را به عنوان روش اصلی تربیت اخلاقی به کار می‌گیرد:

«هان ای عزیز گوش دل باز کن و دامن همت به کمر زن و به حال بدبختی خود رحم کن، شاید بتوانی خود را به صورت انسان گردانی و از این عالم به صورت آدمی بیرون روی که آن وقت از اهل نجات و سعادت» (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶)

«پس ای عزیز؛ در کارهای خود دقیق شو و از نفس خود در هر عملی حساب بکش و او را در برابر هر پیشامدی استنطاق کن... دردت چيست که می‌خواهد از مسائل نماز شب سوال کند... می‌خواهد برای خدا مسئله را بفهمد یا خود را اهل آن قلمداد کند» (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵).

۳.۶. بیان اجمالی نکات عرفانی و تشویق مخاطب به مراجعه

امام خمینی در بیان مبانی اخلاقی و تربیت نفس، به جذابیت‌های عرفانی نیز توجه دارد و خوانندگان را به تأمل دعوت می‌کند. در ابتدای کتاب، به مقامی اشاره می‌کند که آن را توضیح نمی‌دهد، اما با گزینه‌های دیگر می‌توان دریافت که این مقام کشف و شهود است (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۷). او همچنین به

بهشت و جهنم اخلاق و اهمیت آن‌ها اشاره می‌کند، که بیشتر از اعمال اهمیت دارند (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۳). گاهی تبیین مفاهیم عرفانی را ناتمام می‌گذارد و می‌گوید برای اهلش واضح است. اوج این لطافت‌ها در حدیث چهلیم و تفسیر آیه سوم سوره الحديد نمایان می‌شود، جایی که احساسات ملکوتی عارف را توصیف می‌کند و می‌گوید که این مفاهیم را نمی‌توان به زبان آورد (خمینی، ۱۳۷۸، ۶۰۷). این تعابیر به خواننده یادآوری می‌کند که فراتر از آنچه بیان شده، افق‌های بالاتری وجود دارد که باید در آن حرکت کند.

۴.۶. توجه دادن به باطن و صورت باطنی

یکی از روش‌های امام خمینی توجه دادن به باطن عمل بود. به عنوان مثال در بخشی از کتاب می‌نویسد: ای بیچاره، تو قنات مستقیم و صورت خوش ترکیب ملکی داری، میزان ملکوت و باطن، غیر از این است، باید استقامت باطنی پیدا کنی تا مستقیم القامة در قیامت باشی. باید روح روح انسانی باشد تا صورت عالم برزخ و آخرت صورت انسان باشد. تو گمان می‌کنی که عالم غیب و باطن، که عالم کشف سرایر و ظهور ملکات است، مثل عالم ظاهر و دنیا است که اختلاط و اشتباه در کار باشد: چشم و گوش و دست و پا و سایر اعضا - همه با زبانهای ملکوتی، بلکه به قول بعضی با صورتهای ملکوتی، شهادت به هر چه کردی می‌دهند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶)

۵.۶. ارائه دستورات عملی و گام به گام و تدریجی

امام خمینی بر اهمیت حرکت تدریجی در تربیت تأکید می‌کند و به مخاطب القا می‌کند که نمی‌توان یک‌شبه به مقصد نهایی رسید. او توصیه‌هایی برای کنترل تخیل ارائه می‌دهد، از جمله تمرکز بر مسیر، عدم توجه به خیالات ناپسند و شکرگزاری خداوند. همچنین، در مورد ذکر و دعا، معتقد است که این عمل ممکن است ابتدا تهی از معنا باشد، اما با تفکر و مراقبت، امید است که دعای انسان واقعی و

معنادار شود. (خمینی، ۱۳۷۸، ۴۶۲)

۶.۶. بیان مثال‌های ساده

بیان مثال‌های ساده از میان مفاهیم آیات و روایات، به متن شرح چهل حدیث، جذابیت بیشتری بخشیده و تعالیم را برای تازه‌واردان به مسیر اخلاق و عرفان ساده کرده است. به عنوان نمونه، امام مثال‌هایی از گنجشک و پشه می‌زند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۵۳)

۷.۶. توجه به عقل و تعقل و ارتقای عقلانیت

یکی از جذابیت‌های شرح احادیث امام خمینی، عقل‌گرایی او و ارجاع به درک عقلانی خواننده است. امام به جای استفاده از استدلال‌های پیچیده، با نصیحت ساده، خواننده را به قضاوت عقل خود واگذار می‌کند. او تأکید می‌کند که انسان عاقل از مفاسد دوری می‌کند و در صورت ورود به آن‌ها، به سرعت درصدد اصلاح برمی‌آید. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۱).

۸.۶. مقایسه و سنجش مخاطب با اولیاء، جهت تذکر و تربیت

در بخشی از کتاب برای سنجش اخلاص عمل خواننده، سوالی مطرح می‌کند: اگر واقعا اهل اخلاص هستید، چرا چشمه‌های حکمت از قلبتان به زبانتان جاری نمی‌شود، با اینکه سال‌هاست به خیال خود برای نزدیک شدن به خداوند تلاش می‌کنید؟ (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۵۲)

در بخش دیگر، برای تأکید بر اینکه انسان در انجام وظایف شکرگزاری و عبادت کوتاهی می‌کند، اشاره‌ای به عبادات سیدالساجدین علیه السلام دارد و به ماجراهای مشابه می‌پردازد: مناجات سیدالساجدین علیه السلام، هم مثل مناجات من و تو است؟ او هم برای حور العین و گلایی و انار این قدر ناله و سوز و گداز داشت؟ (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۷۶)

۹.۶. تذکر به همه و تفاوت نگذاشتن بین گرایش‌ها

امام خمینی در تذکراتی شرح چهل حدیث همه را مخاطب قرار می‌دهد و اینطور نیست که قشری مخاطبش باشند و قشری نباشند. به عنوان نمونه می‌نویسد: ای عارف، ای صوفی، ای حکیم، ای مجاهد، ای مرتاض، ای فقیه، ای مؤمن، ای مقدّس، ای بیچاره‌های گرفتار، ای بدبخت‌های دچار مکاید

نفس و هوای آن، ای بیچاره‌های گرفتار آمال و امانی و حب نفس - همه بیچاره هستید! همه از خلوص و خداخواهی فرسنگها دورید. این قدر حسن ظنّ به خودتان نداشته باشید. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۷۶)

۱۰.۶. الگو دهی

فضای کلی بحث درباره زندگی و مثال‌هایی از سیره اهل بیت علیهم‌السلام و اشاره به روایات آن‌ها در توضیح احادیث اصلی و تبیین‌های عرفانی و اخلاقی کتاب، در واقع راهنمایی معرفی می‌کند که با پیروی و تمسک به وجود پاکشان، سالک طریقت می‌تواند سریع‌تر پیش رود و با استفاده از راهنمایی‌های این الگوهای کامل، در رسیدن به کمال و تعالی از توفیقات الهی بهره‌مند شود.

امام خمینی علیه‌السلام با وجود اینکه خودشان در عصر حاضر نمونه بی‌مانندی بود و قلب‌های مستضعفان و عدالت‌خواهان را در سراسر جهان به خود و اندیشه‌هایش جلب کرد، اما همواره مردم را به الگوی هایی رهنمون می‌کردند.

۱۰.۱۰.۶. پیامبر و امامان

امام خمینی علیه‌السلام اولیای الهی و معصومان علیهم‌السلام را بهترین الگوهای انسانی می‌دانست و از مردم می‌خواست که از آن‌ها پیروی کنند. او تأکید می‌کرد که انبیا و ائمه در مبارزه با ظلم و اجرای عدالت، رنج‌های زیادی کشیده‌اند و درس‌های ارزشمندی برای ما دارند. (خمینی، ۱۳۶۹، ص. ۱۴)

امام در چهل حدیث، اولاً روایات پیامبر و ائمه علیهم‌السلام را شرح و بسط می‌دهند و ثانیاً در موارد متعدد به گفتار و رفتار ایشان استناد می‌کنند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۲، ص. ۵۷، ص. ۷۰، ص. ۲۰۲ و ...)

۲.۱۰.۶. علمای ربانی

امام خمینی علیه‌السلام با اشاره به الگو برداری از سیره علما به عنوان وارثان معصومین، نمونه‌هایی عینی از زهد و مردم‌داری ارائه می‌دهد. از جمله شیخ عبدالکریم حائری یزدی که با وجود ریاست مطلق بر جهان تشیع (۱۳۴۰-۱۳۵۵ق)، در ساده‌زیستی (هم‌سفره شدن با خدمتکار، پوشیدن گیوه در کوچه) و مزاح با طلاب، تداوم‌بخش سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۹۷)

۱۱.۶. تکریم شخصیت و تشویق

امام خمینی علیه السلام، با پیروی از قرآن و اولیای بزرگ اسلام، همواره صاحبان فضائل را تشویق و احترام می‌کرد و متریان خود را مورد تکریم قرار می‌داد و از این طریق، موجب تقویت روحیه و گرایش آن‌ها به سوی نیکی‌ها می‌شد و دیگران را نیز به چنین روشی توصیه می‌کرد. به عنوان نمونه از استاد خودشان خیلی تکریم می‌کردند. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۹) از جوانان برومند، متعهد و فداکار که نظیر آنان را در جهان سراغ نداریم (خمینی، بی‌تا، ب، ج. ۱۹ / ص ۱۰۷)، از زنان با عباراتی مانند مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد. (خمینی، بی‌تا، ب، ج. ۷ / ص ۳۳۹) و از عموم مردم مانند واقعاً مفتخرم به این که ما در یک وقتی واقع هستیم که یک همچو ملتی داریم. (خمینی، بی‌تا، ب، ج. ۲۰ / ص ۸۱)

۱۲.۶. توجه دادن به استاد سلوکی

امام خمینی در تأکید بر نقش محوری استاد سلوکی در تربیت نفس، به سنت عرفانی پایبند بود. وی در کتاب چهل حدیث با عباراتی مانند حضرت شیخ عارف ما روحی فداه (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۳) بارها با احترام از استاد عرفان خود یاد کرده، که نشان‌دهنده تداوم سنت استاد-شاگردی در عرفان اسلامی است.

۱۳.۶. دعای مستقیم جهت تربیت نفس خود و دیگران

امام خمینی با خواندن دعاهاى مستقیم، خود و مخاطبان‌ش را به یاد امور اخلاقی می‌اندازد و آن‌ها را تشویق به دوری از رذایل می‌کند. به عنوان نمونه می‌نویسد: خداوندا به تو پناه می‌بریم ما بیچاره‌ها از شرّ شیطان و نفس اماره. تو خودت ما را از مکاید آنها حفظ فرما بحق محمد و آله، صلی الله علیه و آله. (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۷۸)

۷. روش‌های آیت‌الله جوادی آملی در طرح مسائل

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، «تخلیه از رذایل» با «تحلیه به فضایل» کاملاً فرق دارد؛ زیرا فضایل در نهاد آدمی ریشه دار است، لیکن رذایل، امری عارضی است؛ در حالی که انسان از نظر علوم حصولی،

«نادان» به دنیا آمده است. در علوم حضوری و شهودی مانند معرفت حق و اسماء و تعینات او با سرمایه «فطرت توحیدی» آفریده شده است. در زمینه مسائل عملی نیز چنین است. هنگامی که روح انسان به بدنش تعلق گرفت، اگر چه منزله از رذایل اخلاقی بود ولی تهی از فضایل نبود؛ بلکه با فضایل گرایش به حق آفریده شد که از آن به «فطرت توحیدی» یاد می‌شود. بنابراین، روح انسان در عین حال که ملهم به فجور و تقواست گرایش به تقوا هم دارد؛ در نتیجه اگر این رذایل عارضی زدوده شود، آن فضایل فطری، شکوفا می‌گردد و خود را بهتر نشان می‌دهد و در عین حال انسان می‌تواند آن را تحصیل و تکمیل کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱) به همین جهت، روش‌های تربیتی آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه فهرست می‌شود.

۱.۷. تبیین چند مرحله‌ای

آیت‌الله جوادی آملی همانند استاد خود امام خمینی، در آثار امام خمینی، مفاهیم اخلاقی و عرفانی را تبیین، انذار و تشویق‌ها برای تقویت سالک را بیان، و راهکارهای عملی برای تربیت نفس پیشنهاد می‌کنند. ایشان می‌نویسد: تهذیب روح، بدون شناخت درد و آشنایی با راه درمان آن ممکن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۳۴)

۲.۷. توصیفی و تبیینی

آیت‌الله جوادی آملی در متن به توصیف و توضیح مفاهیم اخلاقی و شرایط لازم برای سیر و سلوک می‌پردازد. مثلاً درباره غفلت به عنوان «مانع» و بیداری به عنوان «شرط لازم» برای تهذیب نفس اشاره می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

۳.۷. استناد به متون دینی

ایشان با استفاده از آیات قرآن و احادیث، مطالب و مفاهیم بحث را روشن و تقویت می‌کنند. مانند اشاره به آیه «لَا تُعْذِرُ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمُ» (اعراف / ۱۶) به عنوان دلیلی برای خطرات غفلت. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

۴.۷. بیان نکات عرفانی

آیت‌الله جوادی آملی نیز به نکات عرفانی در متن اشاره دارند مانند اینکه می‌فرماید: انسانی که بیدار می‌شود عاملی در بیداری او نقش دارد و عوامل بیداری انسان غافل گوناگون است؛ ممکن است این عامل «زنگ خطر دوزخ» باشد یا «شوق بهشت» و یا «اشتیاق به لقای حق». در مناجات شعبانیه آمده است که: «ایقظتنی لمحبتک»؛ تو مرا برای محبت خود بیدار کرده ای، نه برای ترس از جهنم یا شوق به بهشت. بیداری از خواب ظاهری هم همین طور است؛ مثلاً، کسی که در هنگام نماز صبح، خوابیده است و عاملی وی را بیدار می‌کند آنچه که مایه بیداری او می‌شود، نجات از عذاب دوزخ یا اشتیاق به بهشت و یا اشتیاق به لقای حق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۴۵) یا می‌نویسد: توبه اخص، توبه از توجه به غیر خداست. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۹)

۵.۷. استفاده از مثال‌های ملموس

ایشان با به کارگیری مثال‌های عینی و ملموس، مفاهیم انتزاعی و پیچیده را توضیح می‌دهند. مثل تشبیه انسان به مسافری که اگر غافل باشد، در خطر غارت قرار می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

۶.۷. زبان ادبی و شاعرانه

علامه جوادی آملی با استفاده از زبان زیبا و شاعرانه برای جذابیت و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب گام بر می‌دارد. به عنوان نمونه نقل قولی از سعدی می‌آورد: «حرم در پیش است و حرامی در پس؛ اگر رفتی، بُردی و اگر خفتی، مُردی». (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

۷.۷. توجه دادن به باطن

استاد جوادی می‌نویسد: «توبه» و «انابه» نوعی مرگ و رجوع است. کسی که توبه می‌کند، در حقیقت از شهوت و غضب می‌میرد و آنها را «اماته» می‌کند و می‌میراند. اماته شهوت و غضب، همان تعدیل این دو خوی سرکش است. اگر چنین شد، انسان از شهوت و غضب و همچنین جهل می‌میرد و برای این که این راه را ادامه دهد و به صرف مرگ شهوت و غضب، اکتفا نکند، می‌کوشد آنچه را که عقل دستور

می‌دهد همان را بفهمد و عمل کند؛ یعنی از لذا یذ عقلی، طُرُفی ببندد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۲)

۸.۷. تنوع در ارائه مطالب

روش دیگر، ترکیب موضوعات مختلف در یک متن برای ایجاد جذابیت و عمق بیشتر مطالب است. مثال: ترکیب موضوعات مختلف مانند غفلت، بیداری، و ضرورت حرکت در زندگی.

۹.۷. تأکید بر عمل و حرکت

آیت‌الله جوادی آملی در مباحث، دعوت به عمل می‌کند و تلاش برای بهبود و پیشرفت در سیر و سلوک دارد. مثلاً می‌فرماید: انسان باید به فکر حرکت باشد و اگر به فکر حرکت باشد، به مقصد می‌رسد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳)

در اینجا دو موردی که داور محترم اشکال کرده بودند حذف شد

۸. اشتراکات و افتراقات

روش امام خمینی و آیت‌الله جوادی آملی در بیان راهکارهای دفع و رفع رذائل، اشتراکات و ظاهراً افتراقاتی دارد:

اشتراکات ایشان فراوان است از جمله:

۱. تبیین چند مرحله‌ای:

هر دو روش خود را به صورت مرحله‌ای ارائه می‌دهند. امام خمینی ابتدا حدیث و ترجمه آن را ذکر کرده، سپس مفاهیم کلیدی را تحلیل می‌کند و در نهایت راهکارهای عملی ارائه می‌دهد. آیت‌الله جوادی آملی نیز ابتدا به توصیف و تبیین مفاهیم می‌پردازد و سپس با انذار و تشویق، سالک را به عمل و حرکت دعوت می‌کند.

۲. استناد به متون دینی (قرآن و حدیث):

هر دو از آیات قرآن و احادیث معصومین برای تقویت و توضیح مطالب استفاده می‌کنند. امام خمینی از روایات برای شرح مفاهیم اخلاقی بهره می‌گیرد و آیت‌الله جوادی آملی نیز از آیات و

احادیث برای توضیح مفاهیمی مانند غفلت، بیداری، و تهذیب نفس استفاده می‌کند.

۳. توجه به باطن و جنبه‌های درونی اعمال:

هر دو بر اهمیت باطن اعمال تأکید دارند. امام خمینی به صورت مستقیم به تأثیر باطن در تربیت نفس و اصلاح شخصیت اشاره می‌کند و آیت‌الله جوادی آملی نیز بر مرگ شهوت و غضب و تعدیل قوای درونی به عنوان بخشی از تهذیب نفس تأکید می‌کند.

۴. رویکرد تربیتی و اصلاح نفس:

هر دو بر اهمیت اصلاح و تربیت نفس تأکید دارند و رویکردشان مبتنی بر این است که انسان باید از رذایل دوری کند و فضایل اخلاقی را در خود تقویت کند.

۵. دعوت به عمل و حرکت تدریجی:

هر دو بر ضرورت عمل و حرکت تدریجی در مسیر سیر و سلوک تأکید دارند. امام خمینی بر گام‌های عملی کوچک و تدریجی تأکید می‌کند و آیت‌الله جوادی آملی نیز حرکت تدریجی را لازمه تهذیب نفس می‌داند.

۶. بیان نکات عرفانی:

هر دو به جذابیت‌های عرفانی توجه دارند و مخاطبان را به تأمل در این مفاهیم دعوت می‌کنند. امام خمینی به کشف و شهود و مقام‌های عرفانی اشاره می‌کند و آیت‌الله جوادی آملی نیز به اشتیاق به لقای حق و مقام‌های معنوی می‌پردازد.

۷. استفاده از مثال‌های ملموس:

هر دو از مثال‌های ساده و ملموس برای توضیح مفاهیم انتزاعی استفاده می‌کنند. امام خمینی از مثال‌هایی مانند گنجشک و پشه بهره می‌گیرد و آیت‌الله جوادی آملی نیز از تشبیهات ملموسی مانند مسافر در خطر غارت استفاده می‌کند.

ظاهراً افتراقاتی در روش دیده می‌شود:

۱. روش بیان و ارتباط با مخاطب:

امام خمینی: بیشتر از موعظه و ارتباط مستقیم استفاده می‌کند و با عباراتی مانند «هان ای عزیز» و «وای به حال من و تو» احساس نزدیکی و همدلی ایجاد می‌کند. این روش باعث می‌شود مخاطب به طور عاطفی درگیر شود.

آیت‌الله جوادی آملی: از زبان ادبی و علمی برای جذابیت بیشتر استفاده می‌کند و با نقل اشعار و تعابیر زیبا، مفاهیم را توضیح می‌دهد.

۲. نقش استاد و راهنما:

امام خمینی: به اهمیت استاد سلوکی و عرفانی در تربیت نفس تأکید دارد و بارها به نقش استاد خود (آیت‌الله شاه‌آبادی) اشاره می‌کند.

آیت‌الله جوادی آملی: بیشتر بر خودآگاهی و بیداری فردی تأکید دارد و به نقش استاد کمتر اشاره می‌کند.

۳. بیان نکات عرفانی:

امام خمینی: مفاهیم عرفانی را به صورت اجمالی بیان می‌کند و گاهی توضیح آن‌ها را به اهلش واگذار می‌کند.

آیت‌الله جوادی آملی: نکات عرفانی را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد.

۴. زبان و سبک نگارش:

امام خمینی: از زبانی ساده و صمیمی استفاده می‌کند که بیشتر برای مخاطبان عمومی قابل فهم است.

آیت‌الله جوادی آملی: از زبانی تخصصی و علمی استفاده می‌کند و گاهی از اصطلاحات فلسفی و عرفانی بهره می‌گیرد.

۵. نگرش به فضایل و رذایل:

امام خمینی: فضایل و رذایل را به صورت عمیق و با تأکید بر تأثیر آن‌ها بر نفس و جامعه بررسی می‌کند.

آیت‌الله جوادی آملی: فضایل را فطری و رذایل را عارضی می‌داند و معتقد است که با زدودن رذایل، فضایل شکوفا می‌شوند.

۶. الگوها و نمونه‌ها:

امام خمینی: علاوه بر پیامبران و امامان، از علمای ربانی به عنوان الگوهای عملی یاد می‌کند و به رفتار و سیره آن‌ها اشاره دارد.

آیت‌الله جوادی آملی: بیشتر بر پیامبران و امامان به عنوان الگوهای کامل تأکید دارد و به علمای ربانی کمتر اشاره می‌کند.

روش امام خمینی بیشتر بر موعظه، ارتباط عاطفی و تربیت عملی مبتنی است، در حالی که روش آیت‌الله جوادی آملی علمی‌تر، فلسفی‌تر و با تأکید بر خودآگاهی و بیداری فردی است. هر دو روش مکمل یکدیگر هستند و در عین اشتراک در هدف، از ابزارها و سبک‌های متفاوتی برای تربیت نفس و تهذیب اخلاق بهره می‌گیرند.

این اشتراکات و افتراقات نشان‌دهنده تنوع و غنای رویکردهای تربیتی در زمینه اخلاق و عرفان اسلامی است که هر یک از این دو شخصیت بزرگ به شیوه‌ای خاص به آن پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی روش‌شناسی امام خمینی علیه السلام در کتاب «شرح چهل حدیث» و آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «مراحل اخلاق در قرآن»، نشان داد که هر دو اندیشمند بزرگ اسلامی بر اهمیت تهذیب نفس و مبارزه با رذائل اخلاقی تأکید دارند و هدف نهایی آن‌ها دستیابی به توحید و قرب الهی است. امام خمینی علیه السلام با رویکردی عملی و عاطفی، بر جهاد با نفس، تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه تأکید می‌کند و با بهره‌گیری از موعظه، ارتباط مستقیم و مثال‌های ساده، مخاطب را به اصلاح نفس و تربیت اخلاقی دعوت می‌کند. ایشان همچنین به نقش استاد سلوکی و دعا به‌عنوان ابزارهای مؤثر در مسیر تهذیب نفس اشاره دارد.

در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی فلسفی و نظام‌مند، مراحل تهذیب نفس را در سه محور مانع‌زدایی، تحلیل به فضایل و حرکت به‌سوی مقامات اخلاقی تبیین می‌کند. ایشان بر توبه، زهد، ریاضت، مراقبت و محاسبه تأکید داشته و با استفاده از زبان علمی و ادبی، مخاطب را به خودآگاهی و بیداری فردی دعوت می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی فضایل را فطری و رذایل را عارضی می‌داند و معتقد است که با زدودن رذایل، فضایل فطری شکوفا می‌شوند.

مقایسه این دو رویکرد نشان می‌دهد که هر دو در هدف، یعنی پالایش عقل و تزکیه نفس، مشترک‌اند، اما در روش تفاوت‌هایی دارند. روش امام خمینی بیشتر بر موعظه و ارتباط عاطفی متمرکز است، در حالی که روش آیت‌الله جوادی آملی بر تحلیل فلسفی و خودآگاهی تأکید دارد. این تفاوت‌ها نه تنها مکمل یکدیگرند، بلکه بیانگر تنوع و غنای رویکردهای تربیتی در اخلاق اسلامی است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند بیانگر آن باشد که بهره‌گیری همزمان یا متناسب از این دو روش ممکن است به درک جامع‌تری از تهذیب نفس کمک کرده و بالقوه در اصلاح اخلاق انسانی مؤثرتر باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه رازی، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۷۳ ش). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: انتشارات بیدار.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۴. تقوی اشتهاوردی، حسین (بی تا). تنقیح الأصول. نرم افزار آثار امام خمینی، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ش). ادب قضا در اسلام. قم: اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ش). مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
۷. خمینی، سید روح الله (بی تا الف). انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة. نرم افزار آثار امام خمینی، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ ش). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ ش). شرح چهل حدیث (چاپ بیستم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، سید روح الله (بی تا ب). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸ ش). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق - بیروت: دارالعلم.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ ق). العین. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ ش). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. معین، محمد (۱۳۶۲ ش). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.